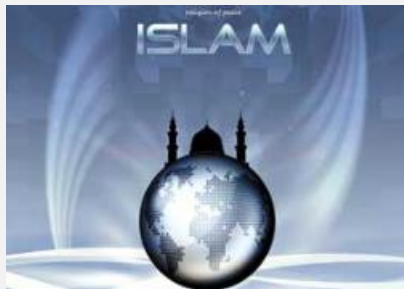


## اسلام‌هراسي، پروژه‌هاي براي تمام فصول

نقدي بر سخنان ديويدي كامرون، نخست‌وزير انگلستان در كنفرانس امنيتي مونيخ .



نقدي بر سخنان ديويدي كامرون، نخست‌وزير انگلستان در كنفرانس امنيتي مونيخ .

اسلام‌هراسي، پروژه‌هاي براي تمام فصول

جام جم آنلاين: ديويدي كامرون، نخست‌وزير محافظه‌كار انگليس پنجم فوريه 2011 در كنفرانس امنيتي مونيخ يك سخنان منحصر به فرد بود. وي كه قرار بود در اين كنفرانس در مورد مسائلي كه امنيت جهان و ثبات بين‌المللي را تهديد مي‌كنند سخن بگويد، احتمالا تحت تاثير حوادثي كه در جهان عرب رخ مي‌دهد، به هويت و فرهنگ اسلامي تاخت.

از اين نظر به اعتقاد نگارنده وي موضوعات مهمي را مورد اشاره قرار داده است كه در جاي خود در خور تعمق بيشتر مي‌باشد. اهميت سخنان وي بيش از هر چيز ناشي از آن است كه وي اساس ناامني را در اروپا به جاي مسائل مطروحه در كنفرانس همانند گسترش هسته‌اي، ناامني سايبيري، بحران مالي و... به موضوع هويت اسلامي ارتباط داده و برخي از مشكلات امنيتي كشورش را ناشي از اين موضوع دانست.

### نكات اساسي سخنان كامرون

كامرون در ابتدائي سخن خويش بزرگ‌ترين تهديد را تروريسم دانست. وي تلاش نمود تا بگويد كه ميان اسلام يا هر مذهب ديگر با اعمال تروريستي تفاوت قائل است. وي گفت: «&#171;تروريسم به هيچ مذهب، گروه يا قومي متصل نيست. اين خطرات بيشتر از ناحيه جواناني است كه تلقي برعكسي از اسلام دارند. ما نمي‌توانيم فقط با جنگيدن با تروريسم در خارج از مرزهاييمان آن را شكست دهيم. بايد به ريشه مشكل پرداخت كه ايدئولوژي اسلام‌گرابي افراطي است و از طرف اقليتها حمايت مي‌شود.» در واقع وي تلاش نمود تا بين اسلام به عنوان مذهب و اسلام به عنوان يك ايدئولوژي سياسي فرق بگذارد. به اعتقاد كامرون مشكل كساني كه به اعتقاد وي تروريست‌هاي مسلمان هستند بيشتر به مساله هويت برمي‌گردد و اين كه آنها اسما شهروند كشور انگلستان هستند، ولي عملا در جوامع اروپايي حل نمي‌شوند و در اجتماعات جداگانه‌اي زندگي مي‌كنند (مساجد، چت‌روم‌ها و موسساتي كه در آنها به اعتقاد وي نفرت ترويج مي‌شود). كامرون اين اعتقاد را كه در بيشتر كشورها فقدان آزادي و مردمسالاري است كه جوانان مسلمان را به سوي خشونت مي‌كشاند، رد كرد و گفت: «&#171;مشكل فقط نبود دموكراسي نيست، چراكه افراط‌گرايان زيادي در جوامع آزاد و باز وجود دارند.»

اولين پرسش در همين جا مطرح مي‌گردد كه به اعتقاد وي «&#171;افراط‌گرايان اسلامي چه كساني هستند؟» پر واضح است كه مقصود وي از افراط‌گرايان تنها اعضاي گروه القاعده يا طالبان نيستند. اگر بخواهيم سخنان بعدي وي را ملاك سنجش اين موضوع قرار دهيم و وي نيز به روشني آن را بيان نمود، بايد اذعان نمود هر آن كه نتواند در جامعه اروپايي هضم شده و تمامي ارزش‌هاي آنان را به جاي ارزش‌هايي كه با آن رشد يافته و در شمار اعتقادات عميق وي درآمده، پذيرا گردد و به طور خلاصه نتواند هويتي به غير از هويت ديني اسلامي براي خود برگزيند، در شمار افراط‌گرايان اسلامي است.

وي در بخش ديگري از سخنان خود كاملا شمشير را از رو كشيد و اعلام كرد: «&#171;اولا به جاي ناديدده انگاشتن ايدئولوژي افراط‌گرابي، بايد با آن در همه اشكالش مقابل كنيم و ثانيا به جاي تشويق مردم به زندگي كردن با هويت‌هايي جدا، بايد به حس هويت مشترك ملي كه براي همه باشد، دست يازيد.» به اعتقاد كامرون حكومت در عمل مي‌تواند و بايد كارهاي زيرا را براي مقابل با حس هويت‌يابي و هويت‌خواهي اسلامي انجام دهد: «&#171;اول، ممانعت از آمد و شد واعظاني كه به اعتقاد وي نفرت را ترويج مي‌كنند به كشورهاي اروپايي؛ دوم، بستن موسساتي كه تروريسم را در داخل و خارج كشور ترويج مي‌كنند و سوم، حكومت بايد در برخورد با چنين افراطي قاطع باشد. اين نهادها و سازمان‌ها بايد تكليف خود را با يك سري مسائل روشن كنند. آيا به حقوق جهان شمول بشر معتقدند؟ آيا به تساوي همه معتقدند؟ آيا به دموكراسي معتقدند؟ آيا طرفدار ادغامند يا جدائي؟...» كامرون در بيانيه! خود رسماً اعلام كرد: «&#171;بايد فرايندي ايجاد شود كه طي آن از اين كه مهاجران به زبان خانه جديدشان حرف مي‌زنند (انگليسي) و از اين كه عناصر يك فرهنگ مشترك (مسيحي - اروپايي) را مي‌آموزند، اطمينان حاصل شود.» و نهايتاً نخست وزير بریتانیا پایان زمان كنار آمدن با چند فرهنگي را در انگلستان (موضوعي كه از مباني اساسي دموكراسي غربي و در شمار همان حقوق جهان شمول بشري است كه وي از آن دم مي‌زند) اعلام كرد و گفت كه تجربه انگلستان در اين مورد با شكست مواجه شده و ديگر كشورهاي اروپايي نيز بايد از اين كشور درس بياموزند!

این که چرا اکنون و به این گونه نخست وزیر محافظه‌کار انگلیس به یک گروه اجتماعی در جامعه خویش می‌تازد، جای بحثی جداگانه است و باید در فضای مشکلات اتحادیه اروپا با مهاجران مسلمان و به طور عمیق‌تر در تأثیرات فرهنگی اسلام و مسلمانان در این جوامع جستجو نمود و جای بحث مفصل آن در این مقال نیست، اما از توجه و دقت در چند نکته نباید غافل بود:

1 - مشکل مهاجران و مباحث مربوط به هویت آنها در 2 دهه اخیر، به شکل حادی در کشورهای اروپایی رخ نشان داده است. این که اروپا نتوانسته است مهاجران مخصوصاً نوع مسلمان آن را در فرهنگ و هویت خود هضم نمایند، این که یک مسلمان بیشتر از آن که خود را لندنی، برلینی، رومی و... بداند هویت خود را با اسلام تعریف می‌کند، در کنار برخوردهایی که بین این گروه با گروه‌های نژادپرست مذهبی یا نژادی اروپایی به وجود می‌آید از مشکلات حل نشده کشورهای اروپایی است. نکته مهمی که دیوید کامرون و امثال وی از آن چشم می‌پوشند این است که از قضا در کشورهای اروپایی تلاش سازمان یافته و زیادی برای هضم شدن مسلمین در فرهنگ نئولیبرال اروپایی انجام شده و می‌شود.

نکته: کامرون نشان می‌دهد که مشکل وی نه با تندروهای اسلامی بلکه اساساً با چیزی به نام هویت اسلامی است. وی به روشنی، خواهان آن است که در کشورش انگلستان اساساً چیزی به نام هویت اسلامی وجود نداشته باشد برخوردهای شدید و فشارهای زیادی نیز در برخی از مواقع از سوی گروه‌های نژادپرست که برخلاف ادعای نخست‌وزیر از آزادی عمل زیادی برخوردارند، متحمل می‌شوند، اما باز هم آن اتفاقی که امثال کامرون توقع آن را دارند، نمی‌افتد. یک بحث برمی‌گردد به این که اجتماعات کوچک در داخل این کشورها دقیقاً به دلیل همین فشارها در پی حفظ هویت خود هستند و در واقع در پی رشته محکمی که بتوانند به آن چنگ زنند. ثانیاً برمی‌گردد به ماهیت اسلام و نوع تربیت و فرهنگ اسلامی که یک مسلمان حتی از نوع لیبرال آن، باز هم خود را بیش از هر چیز یک مسلمان تعریف می‌کند و بس. بنابراین تلاش برای حذف هویت یک مسلمان بیشتر به معنای حذف آن مسلمان تلقی خواهد شد. عدم توفیق در این کار علی‌رغم میلیاردها دلار هزینه در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، تولید صدها هزار فیلم و سریال که در آنها نه تنها ارزش‌های دینی که ارزش‌های انسانی به سخره گرفته می‌شوند. تولید و نشر میلیون‌ها جلد کتاب و مجله که در آنها به عالی‌ترین نمادهای مقدس مسلمانان اهانت می‌شود و بعد پناه دادن، حمایت کردن، تبلیغ کردن از پدیدآورندگان آنها و نهایتاً جنجال کردن بر سر اعتراضی که از یک جمعیت یا کشور اسلامی علیه چنین روندی نابخردانه اعلام شده، صورت می‌گیرد و باز هم مستحکم‌تر شدن صفوف مسلمانان و تمسک بیشتر آنها به شعارهای مذهبی‌شان باید این درس را به امثال آقای کامرون داده باشد که اتخاذ چنین سیاست‌هایی از قبل محکوم به شکست است و البته او سیاستمدار بی‌تجرب‌ای نیست.

2 - نکته دیگر آن است که او با ظرافت تمام از تعریف دقیق کسانی که آنها را مسلمانان افراط‌گرا می‌خواند سرباز می‌زند. در آغاز سخن با صراحت اعلام می‌کند که میان اسلام و چنین مسلمانانی تفاوت قائل است، اما در ادامه سخن گویا فراموش می‌کند و آنجا که بحث از هویت اسلامی را به پیش می‌کشد، به روشنی وارد حوزه‌ای می‌گردد که نتایج آن تمام مسلمانان را در بر می‌گیرد. بگذریم از تعریفی که خود جامعه مسلمانان از افراط‌گرایان دارند و اعمال آنها را نتیجه مستقیم سرمایه‌گذاری، حمایت و یا نتیجه برخوردهای کشورهای غربی می‌دانند. کامرون نشان می‌دهد که مشکل وی نه با تندروهای اسلامی بلکه اساساً با چیزی به نام هویت اسلامی است. وی به روشنی خواهان آن است که در کشورش، انگلستان، اساساً چیزی به نام هویت اسلامی وجود نداشته باشد و رسماً اعلام می‌کند که دیگر دوران چند فرهنگی به سر آمده و مسلمانان باید قبل از هر چیز اروپایی باشند با تمام خصوصیات آن.

3 - موضوع خیزش در سرزمین‌های عربی نیز به احتمال قوی از مسائلی است که موجب شده تا کامرون این موضع را در قبال گروه‌های اسلامی اتخاذ کند.

هم‌اکنون در مصر و در بیخ گوش رژیم غاصب صهیونیستی مهم‌ترین دیکتاتور منطقه ساقط شد و کنار گذاشتن وی از قدرت آن هم در شب یازدهم فوریه (22 بهمن) می‌تواند به عنوان رمزی تلقی گردد که تمامی دیکتاتورهای منطقه سرانجام در اثر بازگشت مردم به هویت اصیل اسلامی و دینی و تمسک آنها به وحدت اسلامی سقوط خواهند کرد.

آرمانی که امام خمینی(ره) با برداشتی درست از اوضاع منطقه و با دریافتی درست‌تر از ظرفیت‌های موجود در اسلام در پیش پای مردم منطقه نهاد. گرچه زمانی که کامرون چنین سخنانی را بیان کرد هنوز این اتفاق نیفتاده بود، اما از همان ابتدا معلوم بود که راهی برای نجات مبارک وجود ندارد و خشم مردم از فقر، سرخوردگی از حمایت مصر از اسرائیل در مقاومت 22 روزه غزه و ... سرانجام او را از اریکه قدرت به زیرخواهد کشید. بازگشت مردم به هویت اسلامی و دینی موضوعی نیست که در زمانی اندک حاصل شده باشد. این که امروزه در قلب اروپا مسلمانان با تمام وجود و با احساسی که بی‌تردید نشأت گرفته از اعتقادی عمیق و قلبی به اسلام است، به برگزاری مناسک دینی خود می‌پردازند، این که توجه و تمسک به اهل بیت پیامبر و شعائر آنها هر سال توجه بیشتری را به خود در این کشورها جلب می‌کند و... موضوعاتی نیستند که بتوان با اتخاذ چنین سیاست‌هایی با آن مقابله نمود.

برای چند قرن است که پشت مردم منطقه و از قضا همین مصر زیر بار استعمار نو و کهنه، تحقیرها و اهانت‌های دولت‌های اروپایی و از جمله و بیش از همه همین کشور متبوع جناب نخست‌وزیر خم شده است. ذهن این مردم انباشته از خاطرات بسیار تلخی است که شنیدن نام انگلستان آن را در کم‌ترین زمان تداعی می‌کند و به نفع بریتانیا است که مبارزه با هویت اسلامی در شکل کنونی آن بار دیگر تداعی‌گر تاریخ تلخ اسلام‌ستیزی این کشور در گذشته‌ای نه چندان دور نگردد.

4 - کامرون يك اعلان جنگ به گروه‌های اسلامی داخل کشورش نیز می‌دهد. وی معتقد است که این گروه‌ها، باید قبل از هر چیزی در مورد پایبندی به ارزش‌های غربی مورد آزمایش قرار گیرند. وی رسماً خواهان اعمال محدودیت برای واعظان دینی، ارتباطات اینترنتی و فعالیت گروه‌های اسلامی شد. این موضع وی سبب واکنش شدید گروه‌های اسلامی انگلستان شد. آنها این موضع وی را ناامیدکننده و خلاف باورهای می‌دانند که خود این کشورها مبلغ آن هستند. مدیر اجرایی يك بنیاد اسلامی موسوم به بنیاد رمضان اظهار داشت: &#171;ارتباط دادن تروریسم به همبستگی امری کاملاً غیرمسئولانه است و سخنان امروز او يك کودتای تبلیغاتی به نفع اتحادیه دفاع انگلیس است.» دبیرکل شورای مسلمانان انگلیس نیز در واکنش به سخنان دیوید کامرون اظهار داشت: &#171;این سخنان بسیار ناامیدکننده است، آن هم در زمانی که ما باید در کنار یکدیگر علیه خشونت و افراط‌گرایی مبارزه کنیم، کامرون با این سخنان خود موجب گسترش تعصب و نفرت علیه مسلمانان انگلیس می‌شود.» نهایتاً به نظر می‌آید موضوع هویت و فرهنگ اکنون بیش از هر چیز در اروپا از يك موضوع به عنوان يك مساله درمی‌آید و از آنجا که کشورهای اتحادیه در حل آن با مشکل جدی مواجه شده‌اند باید طی دهه آینده شاهد برخوردهای بیشتری بین گروه‌های نژادی و مذهبی در این کشورها و برخورد هویت‌ها بود و اگر سیاستمداران این کشورها خود به نوعی به چنین مسائلی دامن بزنند در واقع به جدایی و پاره‌پاره شدن جمعیت‌های قومی و مذهبی تأثیرگذار در کشور خود كمك کرده‌اند؛ مساله‌ای که قطعاً در درازمدت به نفع این کشورها نیست.

دکتر حبیب‌الله ملکوتی‌فر / جام‌جم